

# نقد فیلم در ایران (از دهه‌ی ۳۰ تا دهه‌ی ۷۰)

مهدی فلاح صابر

## سینمانویسی در دهه‌ی ۳۰

خلاصه‌ی داستان اختصاص داشت، بخشی به حرف‌های کلی مثل «موتاز خوب است و فیلمبرداری قابل توجه» و بخشی نیز به بازیگران و گاه به بهانه‌ی یک فیلم اشاره‌ی مفصل به یک موضوع یا اشاره به دوبله‌ی فیلم. در این میان تنها چند مورد کوچک می‌توان یافت که اشاره‌ی تحلیلی قابل اعتنایی به فرم فیلم - فقط در حد چند خط - شده باشد؛ از جمله در نقد فیلم «گودال مار» که اشاره‌هایی به حرکت دوربین و کارکرد آن وجود دارد و نقد شیوه‌ی روایی که در آن ضمن نقل خلاصه‌ی داستان، درباره‌ی جویز فیلم، رمان آن و بازیگران، در انتها فقط در یکی - دو خط، توضیحی داده شده که به تحلیل درست و اصولی یک فیلم نزدیک است: «ریتیم موتاز این فیلم، به جای خود قابل دقت است. در مقدمه ریتیم آرامی وجود دارد که نماینده‌ی پیکار وی و خستگی ساکنین این شهر است. رفته‌رفته ریتیم موتاز شدیدتر می‌گردد، تا آن که در آخرین سکانس فیلم که سرنوشت ماریو هم معلوم می‌شود یک ریتیم دینامیک به وجود می‌آید».

کاووسی گاه به بهانه‌ی فیلم‌ها به معرفی کارگردان آن‌ها می‌پردازد، از جمله در نقد «ماکائو» که تماماً به معرفی «جووزف فن اشتربنرگ» اختصاص یافته است، گاه حرف‌های فیلمساز درباره‌ی فیلمش را نقل می‌کند، از جمله در نقد «معجزه در میلان» که عمده‌ی آن، حرف‌های «دسیکا»ست و گاه مثلاً در نقد «اغوای دوستانه / ترغیب دوستانه» ساخته‌ی «ویلیام وایلر»، عکس خود را در کنار وایلر چاپ می‌کند و به جای نقد فیلم، به نقل حرف‌های خودش با او می‌پردازد؛ یعنی کاری که تا امروز به اشکال مشابه به آن ادامه داده شده است.

## اولین جلسه‌ی انجمن نویسندگان و منتقدان سینمایی

این سال‌ها رفته‌رفته اشخاص دیگری هم نوشتن را آغاز می‌کنند. ضمن این که قدیمی‌ترها هم کماکان می‌نویسند. در سال ۱۳۳۵، در اولین جلسه‌ی انجمن نویسندگان و منتقدان سینمایی این افراد شرکت کردند: «روبرت اکهارت، امیرسعید برومند، سیامک پورزند، هژیر داریوش، بابک ساسان، هوشنگ کاووسی، پایرو گالستیان، احمد مغازه‌بی، سپهبد جهانیانی (به عنوان عضو افتخاری) و ...» سال ۱۳۳۲ مصادف بود با تولد یکی از مهم‌ترین و بادوام‌ترین مجلات تاریخ سینمای ایران با نام «ستاره‌ی سینما». اولین شماره‌ی این مجله در ۲۸ بهمن ۱۳۳۲ منتشر شد و انتشار آن تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت. «پرویز دلویی و بهرام ری‌پور» از شماره‌ی ۹ و «پرویز توری» از شماره‌ی ۲۲ همکاری خود را با مجله آغاز کردند، اما غالب

تقریباً هم‌زمان با ورود سینما به ایران، نوشته‌های مربوط به سینما در مطبوعات فارسی دیده می‌شود. رفته‌رفته این نوشته‌ها جدی‌تر شد و نقد فیلم پدید آمد، به شکلی که در دهه‌ی ۳۰ در برخی نشریات صفحات ثابتی به این امر اختصاص داده شد و چند منتقد اسم و رسم‌دار شروع به قلم‌فرسایی در این حوزه کردند. در نیمه‌ی اول این دهه، مهم‌ترین نویسندگان سینمایی عبارت بودند از: «طغرل افشار، فرخ غفاری، هوشنگ کاووسی، ماشاءالله ناظریان و هژیر داریوش». طغرل افشار تا زمان مرگش (مرداد ۱۳۳۵) مرتباً به نوشتن پرداخت. فرخ غفاری سعی داشت با نوشته‌های گاه و بی‌گاه تماشاگران را با سینمای جدی‌تری آشنا کند - کاری که بعدها با اداره‌ی کانون فیلم به بهترین نحو انجام داد. هوشنگ کاووسی در سال ۱۳۳۲ از فرانسه به ایران بازگشت و از همان ابتدا علیه سینمای فارسی موضع گرفت. در این میان نگاه دقیق‌تر به نوشته‌های کاووسی، به عنوان جریان‌سازترین منتقد آن دوره، ضروری به نظر می‌رسد.

هوشنگ کاووسی پس از مراجعت از فرانسه، اولین نوشته‌اش را در مجله‌ی «روشنگر» به تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۳۲ به چاپ رساند. کاووسی در همان اولین مقاله تحت عنوان «آن چه که از سینما باید دانست» درباره‌ی سینمای ایران نوشت: «و اما سینمای ملی: ستاریو، یک داستان از نوع ملودرام و کم‌دی مبتذل که با چند آواز بی‌معنی و مقداری موزیک گوش‌خراش در فیلم چاشنی می‌شود. میزاسن یا رژیسوری هم مطلقاً وجود ندارد و خود دوربین رژیسور واقعی است ... آکتورها هر طور دلشان می‌خواهد بازی می‌کنند. فیلمبردار حقیقی هم کلید اتوماتیکی است که به خود دوربین یا به باتری آن وصل است». یک ماه بعد اولین نقد ایرانی کاووسی بر فیلم «لفزش» به چاپ رسید. این نوشته‌ی کاووسی، طبق معمول نوشته‌های آن سال‌ها، چیزی است در حد نقل خلاصه‌ی داستان، خرده‌گیری به داستان و چند مورد ایرادهای فنی که به‌طور جداگانه به آن‌ها اشاره شده است. چندی بعد کاووسی کارش را در صفحه‌ی سینمایی مجله‌ی «فردوسی» شروع کرد و تا سال‌ها ادامه داد. او از همان اولین نوشته‌ها در فردوسی، باز به فیلم فارسی تاخت و راجع به جریان تولید فیلم در ایران نوشت: «هدف آن است که در مدت کم‌تری با خرج کمی، مقدار بیش‌تری فیلم تهیه شود که پول درآورد». در این دوره، کاووسی ضمن پرداختن گه‌گاه به سینمای ایران، هر هفته به معرفی و نقد فیلم‌های خارجی روی پرده نیز می‌پرداخت. بخشی از این نقدها - بدون استثنا - به



فعالیت آن‌ها تا سال‌های آخر دهه‌ی ۳۰ به ترجمه‌ی مطالبی درباره‌ی بازیگران و ... محدود شد.

در سال‌های اولیه‌ی ستاره‌ی سینما، نقدهای چندانی وجود ندارد و هر چه هست، نوشته‌های قابل اعتنایی نیست؛ از جمله آن‌ها باید به مطالب «هوشنگ قدیمی» اشاره کرد که مثلاً نقدش بر فیلم ایرانی «پایان رنج‌ها» چیزی است در حد اشاره‌های کلی به فیلمنامه، بازی بازیگران، موسیقی متن و حتی چهره‌پردازی و نور. بعدتر در نیمه‌های این دهه، صفحه‌ی نقد تقریباً ثابت می‌شود و نویسندگی آن ناظران است.

ناظران بعدها در اردیبهشت ۱۳۳۶، شماره‌ی اول فصلنامه‌ی «فیلم و زندگی» را منتشر می‌کند و تا چند شماره سردبیر آن می‌ماند. فیلم و زندگی اولین مجله‌ی است که به‌طور مستقیم صفحاتی را به چاپ ترجمه‌ی نقدهای خارجی اختصاص می‌دهد. در مقدمه‌ی این صفحات نوشته شده: «برای آشنایی خوانندگان مجله با فیلم‌های مهم و بارزش سینمایی و در عین حال اطلاع ایشان از نحوه‌ی انتقاد منتقدان بزرگ و مشهور خارجی، ما در هر شماره چند صفحه‌ی را به بحث و انتقاد اختصاص داده و ترجمه‌ی اظهار نظر نویسندگان خارجی را درباره‌ی این فیلم به نظران می‌رسانیم». بدین ترتیب در شماره‌ی دوم این فصلنامه (پاییز ۱۳۳۶) ترجمه‌ی نقدی از «پل روتا» و دو نقد از مجله‌ی «تام» به چاپ می‌رسد. در شماره‌ی بعد نقدها جدی‌تر می‌شوند: سه نقد بر فیلم «سلطانی در نیویورک»، نوشته‌هایی از «روبرت باتلر، پل گیمار و فرانسوا تزوفو» و نقدی بر «شور زندگی» از پل روتا. همان موقع در ستاره‌ی سینما ستونی به نام «بررسی انتقادات سینمایی جراید جهان» گشوده شد که در آن به نقل قسمت‌هایی از نقدهای خارجی درباره‌ی یک یا چند فیلم پرداخته می‌شد. در اثنای همین شماره‌ها رفته‌رفته نوشته‌های جدی‌تری هم پیدا می‌شوند؛ از جمله مطلب «سر کارول رید و تحلیلی از کار سینمایی او»، نوشته‌ی «آندریو ساریس»، اما وضعیت نقدهای تالیفی کماکان قابل توجه نیست.

در ستاره‌ی سینما پس از ناظران، «مادرکدک الخاص» صفحه‌ی نقد را به دست گرفت و برای مدتی به نوشتن نقد پرداخت. این نقدها غالباً باز به نقل شمه‌ی از داستان و مجموعه‌ی از حواشی خلاصه و مختصری اشاره به کارگردانی هم در آن‌ها دیده می‌شد که به نظر می‌رسد نویسنده از منابع خارجی استفاده کرده باشد. در این دوره خبری از نقد فیلم تالیفی نیست و ستاره‌ی سینما در سال ۱۳۳۷ صفحه‌ی ثابت نقد ندارد و تنها گهگاهی نقدی چاپ می‌کند. شروع نقدنویسی گاه و بی‌گاه پرویز دوابی در همین زمان است که نوشته‌هایش با عنوان «بیک» امضا می‌شوند، اما هنوز این نوشته‌ها قابل توجه نیستند. با سردبیری پرویز نوری در ستاره‌ی سینما در سال ۱۳۳۸، توجه به نقدنویسی بیش‌تر شد. پرویز دوابی با همان امضای بیک بیش از

پیش در این عرصه ظهور پیدا کرد و خود پرویز نوری هم غالباً با امضای «پ.ن.» نقدهایی می‌نوشت. در همین زمان گفت‌وگوی نویسندگان مجله‌ی «کایه دو سینما»ی فرانسه با «آلفرد هیچکاک» درباره‌ی دو فیلم «سرگیجه» و «شمال از شمال غربی» به چاپ رسید که این شاید اولین حضور جدی هیچکاک در مطبوعات ایران باشد؛ حضور و تأثیری که در دهه‌ی ۴۰ به روشنی در غالب منتقدان آن روزگار - در رأس آن‌ها پرویز دوابی - مشهود است. رفته‌رفته در سال ۱۳۳۹، در کنار دوابی و نوری، نام‌های جدیدی هم دیده شد: «جمشید ارجمند و منوچهر جوانفر»، اما نوشته‌ها کماکان خام بودند؛ حتی نوشته‌های دوابی که از جمله آن‌ها باید به نقدش درباره‌ی فیلم سرگیجه اشاره کرد، نقدی که سه سال بعد خودش در مطلب ۴۱ صفحه‌ی مجددش بر سرگیجه - که طولانی‌ترین نوشته درباره‌ی یک فیلم در تاریخ مطبوعات ایران است - ضمن نقل حرف‌هایی از آن نقد، بر آن نوشت: «... که البته اگر حرف احمقانه‌ی نبود، دست کم قاطعیت احمقانه‌ی داشت». اما کم‌کم در این جمع تحولاتی رخ می‌دهد و هم در سلیقه‌ی آن‌ها و هم نوع نوشته‌هایشان تغییرات اساسی به وجود می‌آید، به شکلی که نوشته‌های دو سال بعد این افراد هیچ تشابهی با نوشته‌های قبلی ندارد.

در اواسط سال ۱۳۴۱ در مجله‌ی «سپید و سیاه»، شخصی بدون امضا مطالبی می‌نویسد که بسیار قابل توجه و خواندنی‌اند؛ از جمله تحلیل درخشانی بر فیلم سرگیجه و نقدهای خواندنی درباره‌ی فیلم‌های «هردی از غرب» و «سهم کوچک بابا» و درست در همین زمان یکی از جدی‌ترین و بهترین مجلات سینمایی تاریخ مطبوعات ایران - مجله‌ی فیلم - منتشر می‌شود. این نشریه که به سردبیری پرویز نوری و منوچهر جوانفر با سرمایه‌ی خود آن‌ها منتشر شد، تنها یک شماره دوام آورد.

## سال‌های اوج و فرود



سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ دوره‌ی درخشان‌ی برای نقدنویسی نیست، چرا که نقدنویسان فعالیت چندانی نداشتند. پرویز نوری دیگر سردبیر ستاره‌ی سینما نبود و از آن گروه هیچ خبری نیست. مجله یکی از بدترین دوران خود را می‌گذراند به شکلی که حتی بولتن مد و زیبایی چاپ می‌کند و صفحه‌ی نقد ندارد. «بیژن خرسندی» نقدهای ناپخته می‌نویسد. از سوی دیگر در صفحات مجله‌ی فردوسی، شخصی به نام «شاهرخ نیک‌بین» مطالب پرغلط و فاقد ارزشی می‌نویسد. از اوایل زمستان سال ۱۳۴۳ جمع ستاره‌ی سینما دوباره فعال شد و صفحه‌ی نقد فیلم به راه افتاد و «پرویز دوابی، هوشنگ بهارلو، بهرام ری‌پور و جمشید ارجمند» به نوشتن نقد پرداختند. اتفاق مهمی که در همین سال روی داد انتشار هفته‌نامه‌ی «هنر و سینما» به سردبیری پرویز نوری و هژیر داریوش بود. این نشریه که به‌طور قطع جزو بهترین نشریات سینمایی تاریخ مطبوعات ایران است، توانست تا ۱۰ شماره دوام بیاورد. هنر و سینما در این دوره تماماً به نقد و تحلیل اختصاص داشت و به این ترتیب یکی از بهترین دوره‌های نقدنویسی در ایران رقم خورد و شماری از بهترین نوشته‌های سینمایی به چاپ رسید.

از سوی دیگر عده‌ی از جوانان تحصیلکرده «اندیشه و هنر» را به دست گرفته و سال‌ها به انتشار آن می‌پردازند. اندیشه و هنر با نوعی نثر و ویراستاری خاص منتشر شد و گرداننده‌ی اصلی آن «شمیم بهار» بود. بخش سینما توسط خود بهار نوشته می‌شد و گاهی نقدهایی از دیگران هم به چاپ می‌رسید. او نوع جدیدی از نقدنویسی دقیق و علمی را پی‌ریزی کرد که تأثیر آن بر نقدنویسی ایران تا به امروز مشهود است.

## دوره‌ی جدید ستاره‌ی سینما

مجله‌ی هفته‌ی ستاره‌ی سینما با سردبیری بیژن خرسندی از بهمن‌ماه ۱۳۴۶ دوره‌ی جدیدی را آغاز کرد، اما این مجله هم دوام چندانی نیافت. کم‌کم چهره‌های جدیدی جایگزین بزرگان می‌شوند که بعدها جدی‌تر به کار نقد و سینما می‌پردازند: «سیروس الوند، خسرو دهقان، بهرام دهقان و اوحدی». در سال ۱۳۴۸ با وجود این که کماکان منتقدان قدیمی به کار خود ادامه می‌دادند اما رفته‌رفته بیش‌ترین مطالب توسط این جوانان نگاشته می‌شد: «سیروس الوند، جمال امید، رضا سهرابی، فریدون معزی‌مقدم» و ...

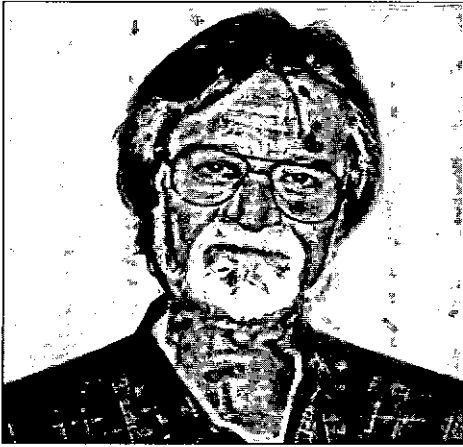
در همین زمان است که در غیاب چهره‌های معتبر نقدنویسی، کم‌کم صفحات نقد مجلات سینمایی از ترجمه انباشته می‌شود. مجله‌ی ماهانه‌ی ستاره‌ی سینما که در سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ منتشر می‌شد قابل توجه‌ترین مجله‌ی این سال‌هاست که کماکان به دلیل غیبت منتقدان زنده، روی به ترجمه آورده بود. این روال تا سال‌های ۱۳۵۱ و

۱۳۵۲ ادامه پیدا کرد. در این زمان مجلات سینمایی، بدترین دوران خود را طی می‌کنند و مجله‌ی هفته‌ی ستاره‌ی سینما به پوشش اخبار نازل بازیگران و فیلمفارس‌ی سازان اختصاص دارد و فقط گاهی مطالب جدی ترجمه را به چاپ می‌رساند. غالب مجلات دیگر هم وضع بهتری نداشتند. فقط یک مورد مجله‌ی خوب در این سال‌ها ماهنامه‌ی «جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران» است که تا سال ۱۳۵۸ زیر نظر بهرام ری‌پور انتشار می‌یافت، ولی اغلب مطالب آن نیز ترجمه و مطالب تألیفی‌اش بسیار اندک و ناچیز بود.

## سینمایی‌نویسی در روزنامه‌ها

با اقول مجلات سینمایی، صفحات هنری روزنامه‌ها جان گرفته و مهم‌ترین نقدها و مطالب سینمایی در روزنامه‌هایی نظیر «کیهان»، رستاخیز، آیندگان و اطلاعات» به چاپ می‌رسید و فیلم‌های بحث‌برانگیز، فیلم‌های «مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی» و فیلم‌های دیگر مورد بررسی قرار می‌گرفتند. در مجلات و روزنامه‌های این سال‌ها به عنوان منتقد و گفت‌گو‌کننده، اسامی مختلفی دیده می‌شود که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ جزو فعالان عرصه‌ی نقدنویسی و روزنامه‌نگاری سینمایی بودند: «بهار ایرانی، داوود مسلمی، امید روحانی، هوشنگ گلمکانی، غلام‌رضا موسوی، فریدون جیرانی» و ...

نزدیک به انقلاب اسلامی و پس از آن، طبعاً به دلیل شرایط سیاسی - اجتماعی حاکم، از مجلات و نوشته‌های سینمایی درخشان خبری نبود، تا اولین نشریه‌ی جدی بعد از انقلاب: «دفترهای سینما» که نخستین شماره‌اش در نیمه‌ی دوم آبان ۱۳۵۹ به چاپ رسید و شماره‌ی آخرین آن در دی‌ماه ۱۳۶۰. این مجله به سردبیری «بهزاد رحیمیان» راه و رسمی جدی در تحلیل فیلم به خود گرفته بود. در شکل و قطع هم متفاوت بود. بهزاد رحیمیان رفته‌رفته جای پای خود را محکم کرد و در دهه‌ی ۶۰ و اوایل دهه‌ی ۷۰ به یکی از مطرح‌ترین منتقدان تبدیل شد. یکی از نویسندگان دفترهای سینما داوود مسلمی بود. تند و تیزی داوود مسلمی



و حساسیت او نسبت به فیلمفارسی از نقدهایش در آن مجله به روشنی آشکار بود. مسلمی به دلیل همین تند و تیزی، بعدها کم‌تر به نوشتن پرداخت و تنها نشریاتی که در قید و بند آگهی نبودند به چاپ نقدهای او می‌پرداختند. «رحیم قاسمیان» نیز بعدها یکی دیگر از بهترین نقدنویسان ایران شد. او با ترجمه‌ی منظم شماری از بهترین نوشته‌های تاریخ سینما - نوشته‌های منتقدانی چون رابین وود، اندرو ساریس، دیوید تامسون، سوزان سانتاگ، پالین کیل و ... - نقش بسیار مهمی در شناسایی نقد و تحلیل جدی و باارزش ایفا کرد.

### فیلم آمد

ماهنامه‌ی «فیلم» تنها نشریه‌ی سینمایی است که طی دهه‌ی ۶۰ به‌طور دائم منتشر شد. این مجله ابتدا به تاریخ تیر ۱۳۶۱ با عنوان «سینما در ویدئو» انتشار یافت و تا سه شماره به همین شکل ادامه پیدا کرد. این سه شماره در واقع به نقد و معرفی فیلم‌های ویدیویی اختصاص داشت. اولین شماره‌ی فیلم، زیر عنوان «ماهنامه‌ی سینمایی» در مرداد ۱۳۶۲ به چاپ رسید و پس از آن به‌طور مرتب تا به امروز ادامه دارد. از شماره‌ی پنجم نام نویسندگان نقدهای مجله بدین قرار است: «پروین زاهد، هوشنگ گل‌مکانی و مسعود بهرامی». در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۶۰ نیز در این نشریه نام این افراد دیده می‌شود: «ابوالحسن علوی طباطبایی، تورج نوروزی، بردیا شکیبا، فریدون خامنه‌پور، سیامک شایقی، احمد طالبی‌نژاد» و ...

در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۶۰ کماکان ماهنامه‌ی فیلم تنها نشریه‌ی سینمایی بود و در کنار آن مجله‌ی «سروش» در دوره‌هایی صفحات سینمایی خواندنی داشت. روزنامه‌های مختلف نیز به چاپ نقد سینمایی می‌پرداختند. به‌طور کلی، به جز کسانی که اشاره شد، در عرصه‌ی نوشتار سینمایی این افراد کم و بیش فعال بودند: «جبار آذین، آیدین آغداشلو، شهیدسیدمرتضی آوینی، عزیزالله حاجی‌مشهدی، شاهرخ دولکو، سیدابراهیم نبوی، جمشید ارجمند، پرویز نوری و هوشنگ حسامی» و ... از این میان جمشید ارجمند، پرویز نوری و پس از این دو، هوشنگ حسامی باسابقه‌ترین منتقدان هستند. نوشته‌های سینمایی آیدین آغداشلو طبق معمول خواندنی، جذاب و گاه قابل توجه‌اند.

همان‌گونه که اشاره شد ماهنامه‌ی فیلم تنها نشریه‌ی سینمایی نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۶۰ بود. از این رو ذکر دو نکته درباره‌ی این نشریه در خصوص نقد جایز اهمیت است:

۱- از سیاست‌های دائمی و پایدار این نشریه باید به این مورد اشاره کرد که هر از گاه عده‌ی از خوانندگان را دعوت می‌کرد تا با نوشتن نقد با نشریه همکاری کنند و بدین گونه بسیاری از خوانندگان این نشریه بعدها به منتقدان آن تبدیل شدند.

۲- این مسئله از جهت تاریخچه‌ی نقد می‌تواند مهم باشد.

مقاله‌ی «بحران نقد» در سال ۱۳۶۷ در این ماهنامه به چاپ رسید و طی آن اعلام شد که این مجله دیگر نقد ایرانی چاپ نخواهد کرد. موارد توضیح داده شده در این مطلب سوءتفاهمات و مشکلات و مسایل همیشگی نقدنویسی در این سرزمین بوده است. در این مقاله نوشته شده: «می‌شود خیلی ساده گفت که جا زدیم یا از خیرش گذشتیم و در مقابل پرسشی مبنی بر چرایی این تصمیم، می‌توانیم آن را با پرسشی دیگر پاسخ دهیم که چرا نه؟ به چه بهایی می‌بایست ادامه می‌دادیم؟ تصمیم گرفته‌ایم نقد فیلم‌های ایرانی را به شکلی که روال کار ما از آغاز مجله بوده است ادامه ندهیم. یعنی اصلاً درباره‌ی بسیاری از فیلم‌های ایرانی نقدی در مجله چاپ نکنیم. این تصمیم که در یکی - دو جمله خلاصه شده حاصل چند سال تجربه است که با کلنجار، تهدید، دلگیری و دلخوری، حرف‌های خاله‌زنکی، دشمنی و تعبیر و تفسیرهای آن‌چنانی آمیخته شده و سرانجام به خستگی و اعصاب خردشده و حتی شاید بشود گفت یأس و دلزدگی انجامیده است». اما این تصمیم گردانندگان ماهنامه‌ی فیلم برای مدت کمی پابرجا ماند و چندی بعد، این نشریه دوباره به چاپ نقد فیلم‌های ایرانی ادامه داد.

### دهه‌ی ۷۰

در دهه‌ی ۷۰ به تعداد نشریات سینمایی به طرز حیرت‌انگیزی افزوده شد. علاوه بر بیش از ۱۰ نشریه‌ی سینمایی طی این دهه، بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات دیگر هم به چاپ نقد فیلم پرداختند و طی این مدت نویسندگان زیادی به جمع قبلی افزوده شدند. به‌طور کلی حجم نوشته‌های سینمایی نسبت به دهه‌ی ۶۰ ده برابر شد. طبعاً بحث درباره‌ی چند و چون و کیفیت این نوشته‌ها زمان می‌طلبد، اما به قول دوستی هر چه در مطالب سینمایی این دیار از ابتدا تا کنون سیر کنیم درخواهیم یافت که در این نوشته‌ها در قیاس با بدنه‌ی سینمای ایران، هم عشق افزون‌تری یافت می‌شود و هم سواد بیش‌تری.